

## The Role of the Private Plaintiff in Claiming Environmental Damages in the Light of Civil Liability with a View to the 1993 Lugano Convention

Rohollah Karimi<sup>1</sup>, Abbas Pahlavanzadeh<sup>2\*</sup>, Hossein Jalali<sup>2</sup>

1. PhD Student, Department of Private Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

### Abstract

This study is aimed at examining the civil liability of natural and legal persons for environmental pollution and damages in Iranian law and in line with the Lugano Convention. Considers the victims of the dangerous effects of pollution and environmental damage and the obligation to compensate in the light of environmental civil liability. This research answers the question of whether private individuals can have environmental claims and lawsuits according to the legal framework. On the one hand, this issue is considered in domestic law, and on the other hand, the Lugano Convention, due to its systematic structure as the guiding principles of compensation through private litigation in its fourth chapter, "Action for Compensation and Other Claims." Considers and facilitates the process of action by private stakeholders regarding environmental damage. Among the findings of this study is a special view on the right to environmental complaint by a private plaintiff and a human rights view on it, expansion and development in achieving the realization of the principle of environmental litigation and also the approach of jurisdiction and environmental damage.

**Keywords:** Civil Liability, Lugano Convention, Environmental Damages, Litigation, Natural Person



#### Article Type:

Original Research

Pages: 143-166

Received: 2022 March 04

Revised: 2022 June 26

Accepted: 2022 July 12



 This is an open access article under the CC BY license.

\*Corresponding Author: [dr.pahlavanzadeh@yahoo.com](mailto:dr.pahlavanzadeh@yahoo.com)

## نقش دادخواه خصوصی در مطالبه خسارات محیط زیستی در پرتو مسئولیت مدنی با نگاهی بر کنوانسیون لوگانو ۱۹۹۳

روح اله کریمی<sup>۱</sup>، عباس پهلوان زاده<sup>۲\*</sup>، حسین جلالی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

### چکیده

این پژوهش در راستای بررسی مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی و حقوقی در قبال آلودگی‌ها و خسارت‌های محیط زیستی در حقوق ایران و در جهت هم‌سنجشی با کنوانسیون لوگانو گام برداشته و نگاهش متمرکز بر جایگاه دادخواه خصوصی در دعوی محیط زیستی است و هدف خود را حمایت از زیان دیدگان در برابر آثار خطرناک ناشی از آلودگی و خسارات زیست محیطی و الزام به جبران خسارت در پرتو مسئولیت مدنی محیط زیستی می‌پندارد. این پژوهش به این پرسش پاسخ می‌دهد که افراد خصوصی مطابق چارچوب‌های قانونی آیا می‌توانند مطالبه‌گری و دادخواهی محیط زیستی داشته باشند؟ این موضوع از یک سو در حقوق داخلی مطمح نظر واقع گردیده و از سوی دیگر کنوانسیون لوگانو نیز با توجه به ساختار نظام مند خود بعنوان اصول راهنمای جبران خسارت از طریق طرح دعوی ذینفع خصوصی در فصل چهارم خود "اقدام برای جبران خسارت و سایر دعاوی" را مد نظر قرار داده و روند تسهیل‌گرانه اقدام ذینفع خصوصی در خصوص خسارات محیط زیستی را مهیا می‌سازد. نگاه ویژه به حق شکایت محیط زیستی توسط دادخواه خصوصی و نگاه حقوق بشری به آن، بسط و توسعه در نیل بسوی تحقق اصل دادخواهی محیط زیستی و همچنین رویکرد صلاحیت مرجع قضایی و تامین خسارات محیط زیستی از جمله یافته‌های این پژوهش است.

**واژگان کلیدی:** مسئولیت مدنی، کنوانسیون لوگانو، خسارات محیط زیستی، دادخواهی، شخص



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۱۴۳-۱۶۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۱



حقیقی



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

## درآمد

شرایط امروز محیط زیست و حمایت و حفاظت از آن سبب گردیده که مخاطراتش تبدیل به دغدغه ای گردد که متخصصین در رشته های مختلف و گرایش های مختلف به مطالعات میان رشته ای یا مطالعات حوزه های مشترک روی بیاورند. در این راستا پژوهش حاضر به بررسی نظام حقوقی مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی و حقوقی در طرح دعاوی محیط زیستی با وجود قوانین و مقررات موجود و آراء صادره از محاکم قضایی مرتبط با محیط زیست به منظور دستیابی و آگاهی یافتن از میزان توجه و اهمیت مراجع قضایی به حفاظت از محیط زیست می پردازد. اگرچه در ابتدای کار احساس می شود بسترهای قانونی طرح دعاوی محیط زیستی در اختیار سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان های مردم نهاد گذارده شده و عملاً افراد خصوصی نقشی در طرح دعوا ندارند. اما بنظر می رسد نقش افراد در طرح دعاوی محیط زیستی ناشی از خسارات وارده طبق چارچوب های قانونی فراهم گردد. از جمله سازکارهای متداول رژیم حقوقی مسئولیت مدنی است که به لزوم جبران خسارات محیط زیستی می پردازد. اما نکته ای که نایستی از نظر دور داشت اینکه در شرایط موجود و کنونی، ارزیابی این که آیا رژیم های مسوولیت مدنی، اجرای موثر شرایط موجود و استانداردهای بین المللی محیط زیست را به طور موثر تضمین و تامین می کنند و بنابراین سازوکارهای موجود تضمین پایبندی را تکمیل می نمایند یا خیر، مشکل می باشد. اما ساختارهای نظام مند در عرصه بین المللی همچون معاهدات اجرایی این زمینه را قوام بخشیده و مطمح نظر قرار داده اند که کنوانسیون لوگانو ۱۹۹۳ با توجه به تمایل به ایجاد مسئولیت محض در این زمینه با توجه به "اصل پرداخت آلوده ساز" و همچنین تاکید بر اصل ۱۳ اعلامیه ریو ۱۹۹۲ در خصوص توسعه و محیط زیست، که ابراز می دارد "دولت ها می توانند قوانین ملی راجع به مسئولیت و جبران خسارت برای قربانیان آلودگی ها و سایر صدمات محیط زیستی را توسعه دهند؛ آنها همچنین می توانند در رفتاری جدی تر و فوری برای توسعه بیشتر حقوق بین الملل راجع به مسوولیت و جبران خسارت عوارض جانبی صدمات محیط زیستی که از طریق فعالیت های تحت صلاحیت یا کنترل حوزه های فراتر از صلاحیت شان ایجاد شده، همکاری کنند؛" مد نظر قرار داده است و در واقع کنوانسیون مسوولیت مدنی به خاطر خسارات وارده بر محیط زیست در اثر

اقدامات خطرناک ۱۹۹۳ (کنوانسیون لوگانو) مصدق‌ای از این امر می‌باشد. به هر ترتیب و در پرتو این پژوهش برآنیم تا نقش دادخواه خصوص در طرح دعاوی و دفاعیات محیط زیستی را مورد مذاقه قرار دهیم.

### پیشینه تحقیق

اگرچه بحث و بررسی در خصوص نقش دادخواه خصوصی در مطالبه خسارات محیط زیستی در پرتو مسوولیت مدنی موضوعی است که نما و شماع جدیدی از طرح دعاوی و دفاعیات را به نمایش می‌گذارد، لذا تحقیق مستقلی تا بحال در این خصوص انجام نپذیرفته و مطالعه تطبیقی در خصوص کنوانسیون لوگانو را مدنظر قرار نداده است. اما برخی از تحقیقاتی که تا حدودی چراغ راه بوده اند در ذیل ذکر شده است.

- خانم زهره کیفی (۱۳۹۷) با راهنمایی دکتر سبحان طیبی در پایان نامه خود به بحث مسوولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی در حقوق ایران با نگاهی بر کنوانسیون لوگانو ۱۹۹۳ که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی دفاع گردیده، پرداخته است.

- آقای مجتبی همتی (۱۳۹۷) در مقاله خود به بحث اقامه دعوی جبران خسارت زیست محیطی در نظام حقوقی ایران که در فصلنامه دیدگاه های حقوقی قضایی، شماره ۸۱، بهار به چاپ رسیده پرداخته است.

- سیدعباس پورهاشمی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله خود به بحث دادخواهی و مسوولیت بین المللی؛ ابزار مقابله با عدم ایفای تعهدات در خصوص تغییرات آب و هوایی که در فصلنامه انسان و محیط زیست دوره ۱۲ شماره ۴ به چاپ رسیده، پرداخته اند.

## ۱-ابتنای مسوولیت مدنی و دادخواهی محیط زیستی

### ۱-۱. ارکان

برای تحقق مسوولیت مدنی وجود سه رکن لازم است که عبارت است از: ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت؛ یعنی برای تحقق مسوولیت، لازم است عملی از عامل سرزند و زیانی اتفاق بیفتد و آن عمل موجب این زیان باشد. (غمامی، ۱۳۸۸: ۲۴) دقیقا همین سه فاکتور نیز در کنوانسیون لوگانو مشاهده می‌شود و برای حفاظت از محیط

زیست به آنها اشار داشته است. هدف کنوانسیون ایجاد امکان برای جبران خسارت متناسب با ضرر وارده از طریق فعالیت هایی که برای محیط زیست خطرناک هستند، می باشد، که جبران خسارت را نه تنها برای خسارات مرتبط با اختلال در محیط زیست که برای خسارات وارده به اشخاص و اموال و همچنین برای هزینه های اقدامات انجام شده برای پیشگیری از وقوع خسارت، فراهم می کند. خسارت تحت پوشش ممکن است ناشی از یک اتفاق ناگهانی، وقایع به هم پیوسته یا سلسله وقایع باشد. (طیبی، شیرازیان، ۱۳۹۸: ۱۳۴)

### ۲-۱. ایجاد ضرر

در بحث از ماهیت ضرر و زیان به محیط زیست مشترکات عمومی مال تلقی گردیده و جزء زیان های عینی و ضرر محسوب می گردد. (باریکلو، ۱۳۸۵: ۴۳) اما اینکه چه نوع زیان عینی قابل مطالبه است خود قابل گفتگو می باشد. برای مثال آیا زیان به هوا و تخریب تدریجی لایه ازن تخریب تلقی می گردد و زیان محسوب می شود یا خیر؟ اما در مورد ضررهای وارده باید گفت که همه ضررهای وارده در یک حادثه مربوط به حال نیست، بلکه گاهی منشا ضرر مربوط به حال و بروز ضرر مربوط به آینده است. به طور مثال در بحث محیط زیست، سوراخ شدن لایه ازن مربوط به حال و بروز آسیب های جدی آن در آینده خواهد بود و تشخیص آن نیز به سادگی ممکن نیست. ماده ۵ قانون مسوولیت مدنی در این باره می گوید: «اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود، وارد کننده زیان مسوول جبران کلیه خسارات مزبور است». همانطور که مشاهده می شود بروز این زیان ها بعد از حادثه است. ضرر آینده ضرری است که عرفاً وجود و تحقق آن در آینده حتمی و مسلم است و چنین خسارتی قابل مطالبه است. (شهیدی، ۱۳۸۲: ۱۲۱) در قانون آئین دادرسی مدنی نیز ماده ۵۲۰ مقرر می دارد: «در خصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده، بالواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است. در غیر این صورت دادگاه دعوی مطالبه خسارت را رد خواهد کرد». ذکر کلمه بالواسطه در این ماده شرط مذبور را به خوبی نشان می دهد. (شمس،

۱۴۰۰: ج ۲، ۶۴) در باب مسوولیت مدنی، مهم آن است که مالی برعهده شخص قرارگیرد. پس زمانی که فردی مال غیر را تلف می کند، مثل یا قیمت آن برعهده تلف کننده قرار می گیرد. (ره پیک، ۱۳۹۰: ۳۲) درگفتمان محیط زیستی در تخریب اموال مشترک، پس از قبول مالیت این مشترکات عمومی، تردیدی نیست که اینگونه ضررها قابل مطالبه است. در مباحث محیط زیستی یکی از راه های مهم جبران خسارت، حکم به ترمیم است که در واقع مثل حکم به درختکاری و رفع موانع در استفاده از رودخانه و دریا، این مقصود برآورده می شود و در مواقعی که امکان ترمیم نیست با اخذ خسارت مالی از عامل زیان، می توان تا حدی از تکرار آن جلوگیری کرد. (کیفی، ۱۳۹۷: ۵۹)

در این راستا در کنوانسیون لوگانو ضرر را تعریف نکرده اما به ذکر مصادیق آن پرداخته است. مثلا بند های ۱ تا ۴ ماده ۲ می گوید: "فعالیت خطرناک" یعنی یکی یا بیش از یکی از فعالیت های زیر به شرطی که توسط متخصص انجام گرفته باشد، از جمله فعالیت هایی که توسط مقامات صلاحیت دار دولتی انجام گرفته :

الف: تولید، جا به جایی، ذخیره سازی، استفاده یا تخلیه یکی یا بیش از یکی از مواد خطرناک یا هر عملیاتی با ماهیت مشابه که با چنین موادی سروکار دارد؛

ب: تولید، کشت، جا به جایی، ذخیره سازی، استفاده، تخریب، دفع، آزادسازی یا هر عملیات دیگری که با یکی یا بیشتر از یکی (از مواد خطرناک) سروکار دارد؛

- ارگانسیم های جهش یافته ژنتیکی که در نتیجه خواص ارگانسیم، جهش ژنتیکی و شرایطی که تحت آن بهره برداری صورت می گیرد، خطر قابل توجهی برای انسان، محیط زیست و اموال ایجاد می کند.

- میکرو ارگانسیم هایی که در نتیجه خواص و شرایطشان که تحت آن بهره برداری صورت می گیرد خطر قابل توجهی برای انسان، محیط زیست یا اموال ایجاد می کند، مانند آن دسته از میکرو ارگانسیم هایی که بیماری زا هستند یا مواد سمی تولید می کنند؛

ج: عمل یک تاسیسات یا سایت برای سوزاندن، تصفیه، جا به جایی یا بازیافت ضایعات، مانند آن دسته از تاسیسات یا سایت های مشخص شده در ضمیمه ۲ و به شرطی که مقادیر آنها خطر قابل توجهی برای انسان، محیط زیست یا اموال ایجاد کند؛  
د: عمل یک سایت برای دفن دائمی ضایعات. (طیبی، شیرازیان، ۱۳۹۸: ۱۴۹)

"مواد خطرناک" یعنی:

الف: مواد یا ترکیباتی که دارای خواصی هستند که خطر قابل توجهی برای انسان، محیط زیست یا اموال ایجاد می‌کنند. یک ماده یا ترکیب که انفجاری، اکسید کننده، به شدت آتش زا، بسیار آتش زا، آتش زا، خیلی سمی، سمی، مضر، خورنده، سوزش آور، حساسیت زا، سرطان زا، جهش زا، سمی برای تولید مثل یا خطرناک برای محیط زیست در محدوده منظور ضمیمه ۱، قسمت الف این کنوانسیون بایستی در هر واقعه ای ایجاد کننده خطر فرض شود؛

ب: مواد مشخص شده در ضمیمه ۱، قسمت ب این کنوانسیون، بدون تداخل در اعمال قسمت زیر بند الف بالا، ضمیمه ۱، قسمت ب ممکن است مشخصات مواد خطرناک تا مقادیر معینی یا غلظت شان، خطرات خاص یا موقعیت های خاص را تعیین کند؛...

ارگانسیم های جهش یافته ژنتیکی: هر ارگانی که مواد ژنتیکی آن تغییر یافته باشد، به صورتی که آن ارگان فعالیت طبیعی خودش را از دست بدهد. (طبیعی، شیرازیان، ۱۳۹۸: ۱۵۰)

### ۱-۳. فعل زیانبار

دومین رکن تحقق مسوولیت مدنی، سرزدن فعل زیان بار یا نامشروع از عامل زیان است. لازمه مسوولیت در ضمان قهري، سرزدن عملی است که موجب زیان شود. ممکن است در مواردی شخص استیلا بر مال غیر نداشته باشد، ولی با انجام فعل یا ترک فعلی موجب زیان به دیگری گردد. (قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۹۱) پس توجه به این نکته مهم است که آیا ترک فعل هم می تواند فعل زیان بار تلقی گردد یا خیر؟

اتلاف بر دو نوع است؛ مستقیم و غیرمستقیم. در اتلاف مستقیم، فعل مثبت وجود دارد ولی در اتلاف غیرمستقیم، بحث ترک فعل مطرح می شود. در تجاوز به ذخایر منابع طبیعی لازم نیست که خسارت به فرد مشخصی وارد آید، بلکه تجاوز به اموال عمومی نیز ضمان آور است و کسی که از حفاظت از محیط زیست سر باز زند، متخلف محسوب شده و مسوولیت مدنی خواهد داشت. از آنجا که مبنای تقصیر در همه جا جوابگو نیست، بعضی سراغ مبنای خطر رفته اند. بنابر این نظریه هر کس به فعالیتی

بپردازد و محیط خطرناکی برای دیگران بوجود آورد، کسی که از آن محیط سود می برد، باید خسارت ناشی از آن را جبران کند و مهم رابطه علیت بین عمل آن شخص و زیان است. (فهیمی، ۱۳۹۱: ۴۹) با این وصف اگر کسی فعالیت خطرناکی انجام دهد یا مواد یا پیش سازهای خطرناکی را بسازد که موجب ایجاد خطر برای محیط زیست شود، یعنی فعل زیانبار انجام داده است.

#### ۴-۱. جبران خسارت

وقتی زیان به محیط زیست توسط فرد حقیقی مثل صاحب کارخانه ای ایجاد شود، اعمال قانون در مورد چنین شخصی کار دشواری نیست و در محدوده قوانین داخلی مورد محاکمه قرار خواهد گرفت. با این حساب ممکن است دولتی یا فردی از کشوری دیگر بتواند علیه فرد حقیقی در یک کشور اقامه دعوی کند و او را مجبور به جبران خسارت نماید. (رحمتی، ۱۳۸۲: ۴۵) اشخاص حقوقی مثل اشخاص حقیقی تعهدات و امتیازاتی دارند و در قبال این تعهدات دارای مسوولیت هستند. کشورهای جهان در پذیرش مسوولیت اشخاص حقوقی دو دسته اند بیشتر کشورهای دارای حقوق عرفی، مسوولیت اشخاص حقوقی را پذیرفته اند. دسته دیگر، کشورهایی هستند که چنین مسوولیتی را نپذیرفته اند. (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۹۹) استدلال این کشورها در نفی مسوولیت برای اشخاص حقوقی آن است که این اشخاص را نمی توان مجازاتی مثل حبس کرد ولی در این مواقع به جای حبس باید از مجازاتهای مالی و نقدي استفاده کرد. البته در مجازات اشخاص حقوقی باید به این نکته توجه کرد که مجازات نقدي نباید آنقدر کم باشد که جلوی تکرار آلودگی محیط زیست را نگیرد و نه آنقدر زیاد باشد که موجب مشکلات کمرشکن اقتصادی و بیکاری گردد. از راههای معقول، سپردن وجوه التزام از طرف اشخاص حقوقی است. وجوه التزام مبلغی است که به صورت تخمینی در نظر گرفته می شود و یا به میزان مبلغ مشخصی است که قاضی برای هر روز تأخیر در انجام تعهد، جهت الزام عامل تخلف به اجرای آن، در نظر می گیرد و وی بر این اساس می تواند اجرائی تصمیمش را تأمین کند. (کیفی، ۱۳۹۷: ۷۳) این مجازات، آلوده کننده را وادار می کند تا به سرعت برای قطع آلودگی اقدام کند وگرنه جریمه ای سنگین بر دوش او خواهد بود. از مجازات کیفی اشخاص حقوقی، می توان به بستن و ممانعت از



فعالیت کارخانه های آلوده کننده محیط زیست اشاره کرد. اما طرف دیگر قضیه کسانی هستند که از تخریب محیط زیست زیان می بینند و زیان دیده و ذینفع هستند. کسانی که از تخریب محیط زیست آسیب می بینند، ممکن است افراد حقیقی یا حقوقی باشند. (کاتوزیان، انصاری، ۱۳۸۷: ۲۸۹) همچنین کسی که باعث زیان به محیط زیست می شود و در واقع از این زیان نفع می برد ممکن است فرد حقیقی یا حقوقی باشد. در اصطلاح حقوقی به زیان دیده خواهان و به عامل زیان خوانده می گوئیم. وقتی زیان دیده فرد یا افراد حقیقی باشد، با مشکل زیادی روبرو نیستیم. همین طور است اگر عامل زیان فردی یا افرادی حقیقی باشند. طبق نظر برخی از حقوقدانان در عرصه بین المللی و طبق دیدگاه اسلامی، هیچ منافاتی ندارد که یک فرد حقیقی علیه فرد حقیقی دیگر در کشور دیگر و یا علیه یک فرد حقوقی در سطح بین الملل اقامه دعوی کند زیرا محیط زیست جزو مشترکات عمومی متعلق به تمام مردم جهان است اما زمانی که زیان دیده یا عامل زیان فرد حقوقی باشد، مساله پیچیده تر خواهد بود. افراد حقوقی چه به صورت زیان دیده (خواهان) و چه به صورت عامل زیان (خوانده) ممکن است واحد باشند یا متعدد. (رحمتی، ۱۳۸۲: ۵۳)

در کنوانسیون لوگانو، علاوه بر مقررات مرتبط با جبران خسارت، کنوانسیون همچنین حاوی مقرراتی است که در صدد پیشگیری از وقوع حادثه و بازگشت محیط زیست به وضع سابق می باشد. در این کنوانسیون محدوده زمانی سه ساله را برای جبران خسارت در نظر گرفته اند. به این صورت که « اقدامات برای جبران خسارت تحت این کنوانسیون بایستی محدود به دوره سه ساله ای از زمانی که مدعی از خسارت و هویت متصدی مطلع شد یا بایستی معقولا مطلع می گشته است، می شود. قوانین طرفین که تعلیق یا وقفه محدودیت زمانی را تنظیم می کند، بایستی در مورد محدودیت زمانی تجویز شده در این بند، اعمال گردد.» (طیبی، شیرازیان، ۱۳۹۸: ۱۵۷) بر اساس قواعد عام مسوولیت، هر شخص باعث ورود ضرر و خسارت به دیگری گردد، مسوول جبران ضرر ناشی از عمل خود می باشد. (خورسندیان، طاهری، ۱۴۰۰: ۱۴۰) لذا جبران خسارت، یک ضرورت انکارناپذیر در چارچوب نظام مسوولیت است که وجود آن مهم به شمار می رود و چه بسا که زمینه تسهیل طرح دعاوی نیز به حساب آید. در این راستا اصل جبران، بخودی خود روند مطالبه گری را ترویج و تسهیل نموده و قربانیان خسارت

دیده را در عداد نظام مسوولیت می آورد و به آن هویت می بخشد.

### ۱-۵. نگاه حقوق بشری به طرح دعاوی محیط زیستی

اینکه در یک ساختار نظام مند، حق اشخاص حقیقی به رسمیت شناخته شود، نشان از قائل شدن اهمیت به درجه حقوق شهروندی و حقوق بشری است. اگرچه لازمه این مساله تدارک و تداوم تقویت هنجارهای مدون در سطح ملی و بین المللی است. در بیانیه کنفرانس جهانی سازمان ملل درباره ی انسان و محیط زیست ۱۹۷۲ موسوم به کنفرانس استکهلم، «حقوق محیط زیست یعنی حقوق برخورداری انسان از محیط زیست سالم هم طراز با حقوق بشر شناخته شده است.» در اصل ششم بیانیه هم آمده است که «از مبارزه ی برحق مردم همه ی کشورها بر ضد آلودگی باید حمایت شود.» به عبارت دیگر، مبارزه با آلودگی محیط زیست جزء حقوق همگانی است.

مطابق ماده ی ۲۵ اعلامیه ی جهانی حقوق بشر «هر شخصی حق دارد که از سطح زندگی مناسب برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده اش، به ویژه از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری برخوردار شود...» و مطابق ماده ی ۸ «هر شخصی در برابر اعمالی که به حقوق اساسی فرد تجاوز کند... حق مراجعه مؤثر به دادگاه های ملی صالح را دارد.» با توجه به شمول این دو ماده به همه و «هر شخص» و با توجه به این که یک شرط اساسی برخورداری از سلامتی و بهداشت، داشتن محیط زیست سالم است، پس می توان گفت که همه ی اشخاص حقیقی و حقوقی می توانند در خصوص تجاوز به حقوق زیست محیطی خود به دادگاه شکایت برند. بنابراین به نظر می رسد طرح دعاوی محیط زیستی توسط دادخواه خصوصی به نوعی نگاه حقوق بشری و حقوق شهروندی را به خود معطوف داشته است و این ضرورت هیچگاه از اذهان دور نخواهد ماند. بر این اساس سازمان های غیردولتی نه تنها می توانند راساً از «حقوق شهروندی» دفاع کنند، بلکه می توانند از قصور دستگاه های دولتی مسئول در محیط زیست هم شکایت نمایند.

### ۱-۶. حق شکایت محیط زیستی و آئین دادرسی

وقتی که انسان دارای حق می شود و یا ساختاری موجودیت پیدا می کند، به

نظر می‌رسد هرگونه حقی که از هر شخص حقیقی یا حقوقی تضییع گردد قابل پیگیری و پیگیری قانونی است. در این راستا به یک بیان:

"تضییع حق دیگران و یا انکار آن، اگرچه ممنوع است، اما جزء در مواردی که تصریح شده باشد، ممنوعیت به قید مجازات نبوده و بنابراین جرم شمرده نمی‌شود. در این صورت مدعی حق، در صورتی که برای احقاق حق یا شناسایی حق خود مایل به اقدام قانونی باشد، باید در مراجع صالحه قضاوتی حقوقی، علیه فاعل اقامه دعوا نماید." هر چند به ممنوعیت تضییع حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی اشاره گردیده اما به نظر می‌رسد گاهی استثنائات مسیر احقاق حق را منحرف ساخته و جهت دهی مناسبی انجام نمی‌پذیرد. به عنوان مثال: حق بر بهداشت محیط یک مساله مهم، جاری و حیاتی است. اما همین بهداشت در بسیاری از اوقات نه توسط افراد حقیقی رعایت می‌شود و نه افراد حقوقی. سازمان های متولی امر هم به موضوع وقعی نمی‌نهند. اینجاست که برای احقاق حق بایستی اقدامی شود و شخصی حقیقی حقوق خصوصی می‌تواند علیه سازمان متولی شکایت کند؟ بنابر متن و مفاد مصرحه قانونی مرجع صالح نیز مشخص گردیده که به این مناسبت و به موجب اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

"مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. تشکیل دادگاه ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است."

در همین راستا حق اقامه دعوا در اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده که مقرر می‌دارد:

"دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید..."

وقتی اصول قانون اساسی اینگونه تصریح می‌دارد، لذا به نظر می‌رسد حق طرح دعوا برای دادخواه خصوصی نیز وجود دارد. این اهلیت را قانون قائل گردیده و به موجب ماده ۹۵۶ قانون مدنی:

"اهلیت برای دارابودن حقوق بازنده متولد شدن انسان شروع و بامرگ او تمام می‌شود." لذا حق با وجود اهلیت و نفع مشروع شخصی یا عمومی و جاهت دارد و پیگیری آن از طریق مراجع صالح نیز و جاهت دارد. این تصور که نمی‌شود و یا نمی‌توان طرح

دعوا نمود، تصویری غلط است چرا که حقوق اجتماعی بر مبنای فطری خود از سمت عرف به سمت قانون نوشته حرکت می‌کند و ضرورتاً بایستی همه موارد از جمله ادعای دادخواه خصوصی نیز امکان سنجی گردد.

در کشورهای مختلف، شاکیان خصوصی بر حسب معمول در قبال آلودگی محیطی بر علیه آلوده‌کننده در دادگاه‌ها اقامه‌ی دعوی کرده و مطالبه‌ی زیان‌های وارده یا حداقل درخواست صدور حکم در جلوگیری از آلودگی را می‌نمایند.<sup>۱</sup> در بعضی از کشورهای مردم با این که شخصاً زیان ندیده‌اند ولی حق دارند به منظور حفظ منافع عمومی در مورد آلودگی محیط زیست، علیه آلوده‌کننده اقامه‌ی دعوی نمایند. به موجب مواد قانونی مانند ماده‌ی ۱۸ قانون شکار و صید، و ماده‌ی ۱۴ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست شاکي یا مدعي خصوصی شناخته می‌شود. مطابق ماده‌ی ۹ قانون آیین دادرسی کیفری «شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شده و یا حقی از قبیل قصاص و قذف پیدا کرده و آن را مطالبه می‌کند، مدعي خصوصی و شاکي نامیده می‌شود. با این تعریف، مقام سازمان حفاظت محیط زیست یا دیگر سازمان‌های دولتی در طرح دعاوی محیط زیستی، هم ارزش هر مقام احتمالی دیگر از جمله سازمان‌های غیردولتی است. چرا که يك سازمان غیردولتی هم می‌تواند در مورد جرمی که کشف کرده، حسب مورد در مقام شاکي یا مدعي به طرح دعوا بپردازد. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که سازمان‌های مردم نهاد بنا بر یک کار داوطلبانه و بدون نفع مادی و به دور از هر نوع وظیفه تعریف شده نسبت به طرح دعوا اقدام می‌نمایند. براین اساس سازمان‌های مردم نهاد بعنوان نهادهای واسط برای ایجاد یک عزم عمومی، برای پیگیری موضوعات مربوط به آسیب‌های محیط زیستی یک ظرفیت بی نظیر محسوب می‌شوند. (غمامی، کدخدا مرادی، درخشان، ۱۳۹۷: ۳۹۸)

## ۱- دادخواهی محیط زیستی

### ۱-۲. تحقق اصل دادخواهی

نظام دادخواهی در پرتو قوانین آیین دادرسی و همچنین قوانین مادر نظیر

۱ - در حقوق بین الملل محیط زیست این مساله در قالب اصل "پرداخت توسط آلوده ساز" مطرح گردیده است.

قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی، دوام و قوام یافته است. در این راستا قوانین خاص نیز تا حدی این مساله را مد نظر قرار داده است. اما بصورت پایه ای، قوانین مادر هستند که اساس مسئولیت را تداعی بخشیده اند. بعنوان نمونه در قانون مدنی رویکرد به مسائل محیط زیستی در برخی مواد نظیر ماده ۱۷۹ و ۱۸۹ منعکس گردیده است. در قانون مجازات اسلامی تخلفات نسبت به مسائل محیط زیستی را از نظر دور نداشته و در مواد ۶۷۵، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۶، ۶۸۸ و... مجازات‌هایی برای متخلفان در نظر گرفته ولیکن به نظر می‌رسد که قوانین خاص محیط زیستی در چارچوب خود بایستی قاطع‌تر و روشن‌تر به وضع جرایم بپردازند و اساساً يك فصل مستقل در قانون مجازات به جرایم محیط زیستی اختصاص یابد. همچنین ضرورت دارد که در خصوص مسئولیت مدنی محیط زیستی نیز مقنن نگاه واضعانه داشته باشد و مخصوصاً نگاه ویژه به بحث طرح دعاوی و دفاعیات محیط زیستی بشود. همانگونه که اصول یازدهم و سیزدهم اعلامیه‌ی ریو (۱۹۹۲) نیز بر وظیفه‌ی کشورها در وضع قوانین «موثر برای محیط زیست» و «تعقیب عادلانه‌ی عاملان آلودگی محیط زیست» تأکید دارد. بنظر می‌رسد اگر بخواهیم نقش دادخواه خصوصی و شخص حقیقی را در طرح دعاوی محیط زیستی پررنگ‌تر ببینیم بایستی برخی بسترها را تقویت نماییم. در این راستا ضرورت دارد به اصل اطلاع‌رسانی و مشارکت و دسترسی به داده‌ها و اطلاعات محیط زیستی برای عموم مردم واقعی نهاده شود و عموم مردم در تصمیمات محیط زیستی مشارکت داده شوند تا زمینه امکان نظرسنجی در زمینه‌ی مسایل محیط زیستی ساده‌تر شود. همچنین چارچوب‌های قانونی نقش حمایت‌گرایانه از مدافعان حفاظت از محیط زیست داشته باشند و عملاً مصونیتی برای آنها وجود داشته باشد. در این راستا ذکر این نکته حائز اهمیت است که طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، یکی از وظیفه‌های قوه‌ی قضاییه «احیای حقوق عامه» است. از آنجا که برخورداری از محیط زیست سالم یکی از حقوق عامه به شمار می‌رود، (همتی، ۱۳۹۷: ۲۲۹) قوه‌ی قضاییه می‌تواند لایحه‌هایی به منظور دفاع از حقوق محیط زیستی همگان طرح کند. یقیناً بدون آموزش و ترویج، حفظ و بهسازی محیط زیست هر اتفاقی ممکن نیست، اما شناسایی حق دادخواه حقیقی خصوصی در احقاق حق محیط زیستی بلاشک پراهمیت است. این مساله را از ذهن دور نکنیم که محیط زیست مرز نمی‌شناسد و بایستی به اتکاء معاهدات بین‌المللی

ووقع نهادن به آن بستر تحقق احقاق حق محیط زیستی در سطح داخلی عملی گردد.

## ۲-۲. خسارت

اگر تمام شرایط و ارکان مسوولیت مدنی جمع باشد، زیان دیده حق دارد جبران خسارتی را که به او رسیده بخواهد. عامل ورود زیان (آلوده کننده) نیز ملزم می شود تا ضرری را که به بار آورده، جبران کند. بدین ترتیب، رابطه دینی (تعهد) بین زیان دیده و آلوده کننده به وجود می آید. گفته شد که مسوولیت مدنی روشی برای اجبار تخریب گران محیط زیست است تا خسارتی را که به وجود آورده اند، جبران کنند و یا اینکه هزینه اصلاح آن را بپردازند بنابراین مسوولیت محیطی روشی است که نه تنها به علت و سبب خسارت، بلکه به مقدار و میزان خسارت نیز توجه می کند. (Abella, Ludeña, ۲۰۱۰: ۶۹) در تعیین میزان این خسارت به محیط زیست عواملی مهم چون تغییرات در رشد یا تکثیر (تولید مثل) انواع جانداران، پرندگان و غیره، هر نوع کاهش در سطح و میزان خدمات و منافعی که به وسیله منابع طبیعی ارائه می شود، در زمان صدور حکم به جبران خسارات باید در نظر گرفته شود. آثار تخریب، بسیار وسیع و گسترده اند. از طرفی بر سلامت انسان ها تأثیر می گذارند و باعث بروز انواع بیماری ها و غیره می گردند و از سوی دیگر، بر منابع طبیعی محیط زیست اثر سوء می نهند. (رحمتی، ۱۳۸۲: ۵۹)

در کنواسیون لوگانو ماده ۱۸ فقط به نحوه جبران خسارت پرداخته و در صد تبیین آن برنیامده است:

«الف ممنوعیت فعالیت خطرناکی که غیرقانونی است و خطر بزرگی برای محیط زیست ایجاد می کند؛

ب الزام متصدی برای جلوگیری از وقوع حادثه یا خسارت؛

ج الزام متصدی، بعد از وقوع حادثه، برای جلوگیری از ورود خسارت؛

د الزام متصدی برای بازگشت به وضع قبلی» (طیبی، شیرازیان، ۱۳۹۸: ۱۵۹)

از این رو، همانطور که در بحث های پیشین در خصوص ارکان نیز صحبت شد، امتنان به وضعیت خسارت و توجه به احقاق آن ضرورتی مهم است که می تواند بعنوان یک ضمانت اجرای موثر قلمداد شود.

### ۲-۳. اعاده به وضعیت پیشین

این روش هنگامی مطرح است که اصلاح و جبران خسارت عملاً مقدور و ممکن باشد. اما در جایی که جبران خسارت از نظر فنی و عملی ممکن نیست، راه حل های متفاوتی ارائه شده است از جمله جانشین کردن منابع طبیعی مخروب و آلوده با یک منبع معادل، به مانند جبران کردن تلف یک مال یا مثل آن، که بهترین نحو برای جبران مال تلف شده محسوب می شود. یا اگر هزینه های جانشینی این کار نامناسب باشد، بانک مطابق با ارزش خسارت منابع طبیعی که اصلاح نشده و به حالت اول در نیامده است، جبران خسارت پولی خواهد کرد. نظر کمیسیون اروپا بر این است که در مواردی که خسارت محیطی با پول جبران می گردد، پول عملاً باید برای بازگرداندن به حالت نخست صرف شود. (کویورووا، ترجمه طیبی و ضرابی، ۱۳۹۴: ۷۹) در بند ۱ ماده ۲۵ کنوانسیون لوگانو مقرر می دارد که: «هیچ چیز در این معاهده به عنوان محدودکننده یا ناقض حقوق اشخاصی که متحمل خسارت شده اند تفسیر نمی شود یا محدودکننده قوانین مربوط به حمایت یا ترمیم محیط زیست نخواهد بود.»

### ۲-۴. از بین بردن منبع ضرر

وقتی عامل تخریب به فعالیتی می پردازد که به طور مستمر باعث اضرار می شود، از بین بردن این سبب مهمترین راه جبران است مثل تعطیل کردن کارخانه ای که فاضلاب خود را مدام در رودخانه جاری می کند. طبق ماده ۱۳۲ (ق.م) که به رفع ضرر حکم می کند، حکم به پرکردن چاه آبی که به طور غیرمتعارف تأسیس شده، مانع آن نیست که زیان دیده جبران خسارتی را که تا زمان اجرای حکم به او وارد شده را مطالبه نماید. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۰۳) طبق ماده ۳ ق.م: «دادگاه میزان و طریقه و کیفیت جبران آن را باتوجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد». بنابراین طریقه جبران با دادگاه است درحالیکه طبق ماده ۳۲۹ (ق.م) اگر مالی بر اثر اتلاف از بین رفته باشد و مثلی باشد، فاعل زیان باید مثل آن را برای زیان دیده تهیه کند و انتقال ذمه درباره مثل، مخصوص موردی است که اشیاء و نظایر آن فراوان باشد. پس این ماده قانون مدنی برای دادگاه اختیاری نگذاشته است که باتوجه به اوضاع و احوال قضیه ضرر را جبران نماید. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۰۹)

در حقوق ایران معمولاً برای جبران خسارت راه های زیادی وجود دارد که راه هایی برای جبران خسارت محیط زیست مطرح است. اما در کنوانسیون لوگانو در ماده ۱۲ مقرر کرده است که: «هر یک از طرفین، با در نظر گرفتن ریسک فعالیت خطرناک، بایستی هر جاکه مناسب است اطمینان حاصل کند متصدیانی که فعالیت خطرناکی را در قلمرو سرزمینی آن انجام می دهند لازم است که در یک طرح امنیت مالی مشارکت کنند یا (لازم است) یک تضمین مالی تا میزان مشخصی، با قسم و شرایطی که توسط قانون داخلی مشخص شده است داشته باشند یا کسب کنند، تا مسوولیت تحت این کنوانسیون را پوشش دهد.» (طیبه، شیرازیان، ۱۳۹۸: ۱۶۲)

## ۲-۵. پیشگیری از آلودگی ها

طبق ماده ۱۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست از جمله مهم ترین وظایف سازمان محیط زیست، پیشگیری و ممانعت از هر نوع اقدام مخرب و برهم زننده تعادل و تناسب محیط زیست است. اقدامات احتیاطی دولت ها و ارگان ها می تواند نقش مهمی در پیشگیری از خسارات و آلودگی های محیط زیستی داشته باشد. در کشور ما نیز ماده ۶ قانون مناطق دریای ج.ا.ایران از جمله موارد استثناء بر عبور بی ضرر کشتی ها را «ایجاد هرگونه آلودگی محیط زیست در مناطق دریایی ایران دانسته است.» و ماده ۹ همان قانون نیز در مقام بیان استثنائات، اصل عبور بی ضرر، «عبور زیر دریایی های حامل مواد اتمی خطرناک و یا زیان آور برای محیط زیست را منوط به موافقت قبلی مقامات صالحه ج.ا.ایران می داند». امروزه با وضع استانداردهای ایمنی می توان از بسیاری از آلودگی های محیط زیست رهایی یافت. در کشور ما طبق بند ۲ م ۵۵ قانون شهرداری ها «وظیفه ی دفن زباله ها» بر عهده شهرداری ها است و مطابق ماده ۷ قانون مدیریت پسماندها، مدیریت اجرایی پسماندها با تولیدکنندگان است. (قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۵) در این راستا مقررات متعددی در حقوق داخلی بعنوان ضمانت اجرا آلودگی بر شمرده شده است. ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، اقدامات تهدید کننده ی بهداشت عمومی مانند دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید را مستوجب حبس تا یک سال دانسته است. تبصره ۱ ماده ۱۲ قانون مدیریت پسماند از جمله وظایف شورای عالی معماری و شهرسازی را در نظر گرفتن مناطقی



جهت دفع زباله در طرح‌های ناحیه‌ای جامع شورای فوق، دانسته است. تشویق به استفاده از مواد اولیه بازیافتی که در بند ۳ ماده ۴ قانون مدیریت پسماند نیز بدان اشاره شده است و همچنین محدودیت استفاده از مواد شیمیایی مضر به حال امروزه مانند د.د.ت عامل مهم دیگری در پیشگیری از خسارات محیط زیستی است. (مبینی فر، فتحی برنجی، ۱۴۰۰: ۵۹)

بنابراین جهت پیشگیری از آلودگی‌های محیط زیستی و در صورت وقوع آن، مقابله و مهار این آلودگی کمیته مدیریت بحران محیط زیست متشکل از ارگان‌های ذیربط علی‌الخصوص سازمان محیط زیست، به موقع عمل نماید تا در مواقع فوریت نسبت به مقابله و مدیریت صحیح بحران‌های محیط زیستی اقدام نماید. در این راستا و مطابق با اصول حقوق محیط زیست، اصل جلوگیری یا پیشگیری بایستی مدنظر قرار گیرد تا آثار مخرب محیط زیستی محدودتر شود.

## ۲-۶. ماهیت و مبنای مسوولیت محیط زیستی

درگام نخست بایستی این مساله را مد نظر قرار داد که مبنای نظام مسوولیتی مورد نظر ما تابع قواعد حقوق عمومی است یا از نظام مسوولیت حقوق خصوصی و مسوولیت مدنی سنتی پیروی می‌کند. چنانچه از نظام مسوولیت سنتی پیروی شود حیطه‌ی مسوولیتی محدود به موارد قانونی است در حالی که در نقطه‌ی مقابل در نظام مسوولیتی نوین که ریشه در حقوق عمومی دارد قلمروی مسوولیت محض به فعالیت‌های خاصی محدود نمی‌شود و در صورت وقوع هر نوع خسارت محیط زیستی «فرض تقصیر آلوده‌کننده» وجود دارد چرا که در نظام مبتنی بر حقوق عمومی اصل بر مسوولیت محض آلوده‌کننده است در حالی که در مسوولیت سنتی «تقصیر» ملاک مسوولیتی آلوده‌کننده است، همچنین در دو نظام مفهوم خسارت نیز تفاوت می‌کند در نظام مسوولیتی سنتی (مانند قانون مسوولیت مدنی ایران، فرانسه و...) قابلیت مطالبه‌ی خسارت‌های محیط زیستی با تردید فراوان مواجه است چرا که خسارت مفهوم خاصی دارد و منصرف به اموال خصوصی و حقوق خصوصی اشخاص است. (کریمی، ۱۳۹۶: ۱۲۷) یکی دیگر از تفاوت‌های اساسی در این دو رویکرد؛ کارکرد و هدف آنها است به گونه‌ای که در مسوولیت سنتی هدف جبران خسارت و برگرداندن وضعیت

به حالت نخستین است؛ حال آنکه در نظام نوین مسئولیتی هدف اصلی «پیشگیری» از وقوع خسارت است یعنی «پیش از ورود خسارت» مسئولیت زیست محیطی ایجاد می‌شود، شاید بتوان مبنای چنین مسئولیتی را اصل احتیاط دانست.

اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق برخورداری از محیط زیست را از جمله حقوق بنیادین افراد دانسته است و در همین راستا بیان می‌دارد: «نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند» در نتیجه هرگونه آلودگی غیر قابل جبران آن «ممنوع است». با این وصف به دلیل نظام مسئولیتی مبتنی بر تقصیر ما و ناتوانی نظام مسئولیتی سنتی در تبیین خسارات محیط زیستی بایستی قانون‌های خاصی در این زمینه به تصویب برسد که به صورت ترکیبی مسئولیت مدنی و حقوق عمومی را بپذیرد. شایان ذکر است که مقررات کنونی نظام مسوولیت کفایت امر را نمی‌کند و زمانی این مهم تحقق می‌یابد که قوانین خاص ضمانت‌های مناسبی را مدنظر قرار داده باشند.

## ۲-۷. مرجع قضایی و جبران خسارت

همان‌گونه که قبلاً نیز بیان داشتیم مطابق اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران "دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید...". بنابراین مطابق قانون مراجع صلاحیت دارد در قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری مدنظر قرار گرفته است. در این راستا، مرجع صالح به رسیدگی دعاوی محیط زیستی در دعاوی جبران خسارت دادگاه‌های حقوقی است که محل مراجعه عموم مردم است. همچنین دادرسی‌ها نیز مرجع دعاوی کیفری محیط زیستی هستند. این مساله را از ذهن به دور نگه نداریم که جرایم علیه محیط زیست هر روز در حال گسترش است و بی توجهی به آن عواقبی در بر دارد. به نظر می‌رسد بایستی یک وحدت رویه ای در خصوص دادخواه خصوصی نیز در بحث طرح دعاوی وجود داشته باشد. همچنین دیوان عدالت اداری نیز می‌تواند مرجعی برای ابطال آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های مخل برای این وضعیت باشد. (نژادمقدم زنجانی، ۱۴۰۰: ۶۹)

نکته ای که در اینجا بایستی به آن اشاره گردد بحث خسارت است. همانطوری که در منابع مورد اعتنا آمده مبنا و ابتدای این مهم معاهدات بین المللی هستند که

مقررات داخلی نیز برگرفته از آن هستند. تعریف خسارت در برخی معاهدات بیان شده و در این میان کنوانسیون ۱۹۹۳ لوگانو دارای فهرست تمثیلی و غیرانحصاری از عناصر تشکیل دهنده محیط زیست است که مواردی از جمله: "منابع طبیعی اعم از زنده و غیر زنده نظیر هوا، آب، خاک، گونه‌های گیاهی و جانوری و پیوستگی بین فاکتورهای متشابه، اموالی که بخشی از میراث فرهنگی را تشکیل می‌دهند و جنبه‌های ویژه و اختصاصی چشم انداز" را در بر می‌گیرد. این معاهده سنگ بنای خسارت را مانند معاهده منابع معدنی در جنوبگان، "مداخله مهم و پایدار در محیط زیست در اثر تغییر در شرایط فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیکی آب، خاک و یا هوا" پنداشته است. (Brunnée, ۲۰۰۴: ۳۵۵)

از سوی دیگر در جهت ارزیابی غرامات محیط زیستی بایستی مجدانه عمل شود. با نگاهی به عملکرد بین المللی می‌بینیم که دیوان دائمی دادگستری بین المللی در قضیه کارخانه کورزوف، "جبران باید حتی الامکان کلیه آثار عمل نا مشروع را محو نموده و وضعیتی را که به احتمال زیاد در صورت عدم ارتکاب آن عمل، موجود می‌بود، مجدداً ایجاد و مستقر نماید." را مد نظر قرار داده است. بند ۸ ماده ۲ کنوانسیون لوگانو، "تدابیر اعاده وضعیت" را به عنوان "هرگونه تدابیر متعارف و معقول با هدف اعاده یا بازگرداندن اجزای صدمه دیده یا تخریب شده محیط زیست یا (در صورت معقول بودن) ایجاد معادل اجزای مذکور محیط زیست یا (در صورت معقول بودن) ایجاد معادل اجزای مذکور در داخل محیط زیست" تعریف می‌کند. کلیه معاهدات بین المللی تعیین مسئولیت مدنی خسارات زیست محیطی، مخارج تدابیر پیشگیرانه و هرگونه خسارت یا زیان ناشی از این تدابیر را به عنوان روش و وسیله احتساب غرامت قابل پرداخت، در بردارند. به هر ترتیب، برای ارزیابی خسارات محیط زیستی، قیمت منابع محیط زیستی در بازار، ارزش اقتصادی منتسب به منابع محیط زیستی یا روش‌های ارزیابی احتمالی که تمایل افراد برای پرداخت هزینه منافع محیط زیستی نظیر هوا یا آب پاک یا حفاظت از گونه‌های در معرض خطر مد نظر قرار می‌گیرد. (همتی، ۱۳۹۷: ۲۲۳)

این مساله نشان از آن دارد که بستر سازی برای دادخواهی محیط زیستی بایستی در پرتو استانداردها به پیش برود و ساختارهای نظام مندی وجود داشته باشد که بتوان براساس آن ادعا را مطرح و ارائه نظر نمود. اگرچه در این راستا برخی چشم پوشی‌های

بین المللی هم وجود داشته که بعنوان نمونه می توان به عدم اعتنای قضایی بریتانیا به برخی از ابعاد کنوانسیون لوگانو اشاره داشت. (Wells, Moore, ۲۰۲۱: ۳۰) اما این به معنای بی توجهی به ماهیت دادخواهی خصوصی نبوده است.

### ۳- تراز دادرسی و دادخواه خصوصی

نظام و آیین دادرسی در سطح ملی توانایی مدیریت روند رو به جلو و روبه رشد دعاوی محیط زیستی با محوریت دادخواه خصوصی را دارد. اگرچه دکترین ما در این خصوص کافی به نظر نمی رسد و این مهم نیازمند مذاقه عالمانه تری است و شورهای تخصصی و متقنی را می طلبد. در این راستا و درورای مباحث پیشین، به نظر در جهت برآیند بحث ضروری است این مساله روشن شود که نهایتا دادخواه خصوصی تا چه حد می تواند در جهت احقاق حق محیط زیستی اقدام قضایی نماید و بایسته های آن چه مواردی است؟ در فرآیند مطالعاتی مان ابعاد مسوولیت را تبیین کردیم و به ضرورت ارکان و تبیین خسارت پرداختیم. با این وجود و با استناد به چارچوب های قانونی دریافتیم که دادخواه خصوصی با عنایت به مساعدت های قضایی و با وجود مواد قانونی محرز، می تواند در مراجع قضایی نسبت به حقوق کاسته محیط زیستی خود اقدام عاجل نماید. اما ضرورت هایی وجود دارد که قانونگذار و مقتنن بایستی نسبت به آن توجه داشته باشد. در این راستا بازبینی قوانین خاص محیط زیستی، اصلاح موادی از قوانین مادر نظیر قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی و همچنین پیش بینی ضمانت اجراهای مناسب در قوانین برنامه ای بایستی مدنظر باشد. از سوی دیگر محاکم قضایی بایستی نگاه و توجه حقوق بشری خود را به این نوع طرح دعاوی خاص بیشتر نمایند و به رسمیت بشناسند. نکته ای که بایستی به آن توجه داشت موضوع آموزش و ترویج فرهنگ طرح دعاوی و دفاعیات محیط زیستی است که سبب می شود فرآیند ثبات ادعای دادخواه خصوصی متقن تر شود. لذا تمایل اجتماعی و سیاستی در سطح ملی باید پذیرای این چارچوب برای حفظ بقای محیط زیست باشد.

## برآمد

۱- با مذاقه در باب مسئولیت مدنی، خسارات محیط زیستی، نقش دادخواه خصوصی، کنوانسیون لوگانو و ضرورت بحث حفاظت از محیط زیست به این ورطه از نگاه پژوهشی می‌رسیم که نظام مسئولیت مدنی اگرچه به صراحت نقش دادخواه خصوصی را در تحقق طرح دعاوی و دفاعیات علیه دولت نپذیرفته اما سیاق مبنایی و مفهومی آن نشان از شناسایی شخص خصوصی در جهت احقاق حق محیط زیستی دارد. به نظر می‌رسد در این ساختار قانونی بایستی کمی در جهت تقویت رویه های قضایی مساعدت حاصل گردد تا زمینه ساز این مهم شوند.

۲- از سوی دیگر راهنماهای نمونه و معاهدات بین المللی می‌توانند بعنوان یک سند راهبردی برای بهره مندی در سطح ملی باشند. کنوانسیون لوگانو «مسئولیت مدنی صدمات ناشی از فعالیت های خطرناک برای محیط زیست ۲۱/ژوئن/۱۹۹۳» از جمله این اسناد می باشد. این سند قانونی یکی از ساز و کارها و رژیم حقوقی است که مسوولیت مدنی و لزوم پرداخت خسارت محیط زیستی را مقرر می نماید.

۳- در شرایط موجود و کنونی، ارزیابی این که آیا رژیم های مسوولیت مدنی، اجرای موثر شرایط موجود و استانداردهای بین المللی محیط زیست را به طور مؤثر تضمین و تأمین می کنند یا خیر؟ باید گفت؛ معاهدات بین المللی همیشه به روشنی این تفکیک را قایل نمی شوند که قصد آنها حفاظت اصولی از محیط زیست در برابر خسارات است یا حفاظت از بهداشت، حیات، اموال و نظایر آن در برابر خسارات محیط زیستی است. بر اساس ماده ۱ این معاهده، هدف آن پرداخت غرامت کافی و مناسب برای خسارات ناشی از اقدامات خطرناک برای محیط زیست است. لذا وقتی در سطح ملی و بین المللی چارچوب های نظام یافته سخن از خسارت و دریافت غرامت می‌زنند یقیناً مسئول طرح دعاوی و دفاعیات را نیز به رسمیت می‌شناسند.

۴- با این وصف و با توجه به اینکه در کنوانسیون جهت اطمینان از وضع غرامت متناسب با خسارت، مسوولیت محض پذیرفته شده است، بهتر است در حقوق داخلی نیز مسوولیت محض پذیرفته شود. شاید این مهم زمینه ساز طرح دعاوی متعدد توسط اشخاص خصوصی گردد.

## تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «جایگاه دادخواه خصوصی در دعاوی زیست محیطی با رویکردی به کنوانسیون لوگانو» گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج می باشد که از اساتید گرامی به سبب راهنمایی

## منابع

### الف) فارسی

- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۵) *مسئولیت مدنی*، نشر میزان، چاپ اول.
- خورسندیان، محمدعلی، طاهری، یاشار (۱۴۰۰) *نقش اشخاص حقوقی خصوصی در الزامات و تعهدات زیست محیطی دولت‌ها در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست*، فصلنامه تعالی حقوق، سال دوازدهم، شماره ۴، زمستان.
- رحمتی، سهیلا (۱۳۸۲) *بررسی مشکلات حقوقی پرداخت بلاواسطه غرامات زیست محیطی فرامرزی به اشخاص غیردولتی خسارت دیده*، پایان نامه کارشناس ارشد حقوق محیط زیست، دانشکده محیط زیست و انرژی، دانشگاه علوم و تحقیقات.
- ره پیک، حسن (۱۳۹۰) *حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها*، انتشارات خرسندی، چاپ پانزدهم.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۲) *تشکیل قراردادها و تعهدات*، انتشارات مجد.
- شمس، عبدالله (۱۴۰۰) *آیین دادرسی مدنی دوره بنیادین*، جلد ۲، انتشارات دراک.
- طیپی، سبحان، شیرازیان، شیرین (۱۳۹۸) *مقدمه‌ای بر مسئولیت بین المللی دولت‌ها در قبال خسارات زیست محیطی*، انتشارات خرسندی.
- غمامی، مجید (۱۳۸۸) *قابلیت پیش بینی ضرر در مسئولیت مدنی*، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
- غمامی، سیدمحمد مهدی، کدخدا مرادی، کمال، درخشان، داور (۱۳۹۷) *تعهدات حمایتی دولت در قبال سازمان های مردم نهاد زیست محیطی در نظام حقوقی ایران*، دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال نوزدهم،

شماره دوم پیاپی ۴۸، پاییز و زمستان.

فهیمی، عزیزاله (۱۳۹۱) *مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران (مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و اسناد بین المللی)*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.

قاسم زاده، سیدمرتضی، (۱۳۸۷) *مسئولیت مدنی بدون قرارداد*، چاپ سوم، بنیاد حقوقی میزان تهران.

کریمی، روح اله (۱۳۹۶) *تیین خسارات زیست محیطی در پرتو مسئولیت، ابزارها و رژیم حقوقی*، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی به راهنمایی دکتر مریم افشاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

کاتوزیان، ناصر، انصاری، مهدی (۱۳۸۷) *مسئولیت ناشی از خسارت های زیست محیطی*، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲)، *الزام های خارج از قرارداد*، ش ۷۸، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴) *حقوق مدنی، ضمان قهری*، مسوولیت مدنی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول.

کویوروا، تیمو (۱۳۹۴)، *مقدمه ای بر حقوق بین الملل محیط زیست*، ترجمه سبحان طیبی و مهناز ضرابی، انتشارات میزان.

کیفی، زهره (۱۳۹۷) *مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی در حقوق ایران با نگاهی بر کنوانسیون لوگانو ۱۹۹۳*، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی به راهنمایی دکتر سبحان طیبی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی.

مبینی فر، محمد، فتحی برناجی، مرضیه (۱۴۰۰) *تیین اصل اطلاع رسانی در پرتو آئین رضایت قبلی کنوانسیون روتردام ۲۰۰۳*، دو فصلنامه تمدن حقوقی دوره ۴، شماره ۹ پاییز و زمستان.

نژادمقدم زنجانی، نیلوفر (۱۴۰۰) *مسئولیت اجتماعی شرکت ها نسبت به جبران خسارات زیست محیطی با تاکید بر مسئولیت مدنی*، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی به راهنمایی دکتر مینا مهاجر، دانشگاه ارشد دماوند.

همتی، مجتبی (۱۳۹۷) *اقامه دعوی جبران خسارت زیست محیطی در*

نظام حقوقی/ایران، فصلنامه دیدگاه های حقوقی قضایی، شماره ۸۱، بهار.

### ب) انگلیسی

Brunnée ,Jutta (2004) *Of Sense and Sensibility :Reflections on International Liability Regimes as Tools for Environmental Protection*, Cambridge University Press, The International and Comparative Law Quarterly, Vol. 53, No. 2.

Ludeña, Santiago Areal & Abella, Jorge Alberto Fierro (2010) *Environmental Civil Liability under comparison: Some notes in soft law*, Revista Jurídica Piélagus, Vol. 09.

Moore, Rachel & Wells, Cariad (2021) *Lugano Convention and the future of civil jurisdiction*, Trainee Solicitor, London office.